

شکل‌گیری هسته‌های کوچک در هر جنبش و همچنین رشد و نمو منطقی و سازمان یافته آنها پیوسته در گروهی رهبری فرهیخته‌ای است که قدرت سازمان‌دهی و ارتقای محبوبیت تفکری که بنیان آن را گذاشته در میان مردم داشته باشد. شیخ راشد الغنوشی که در حال حاضر، رهبری نهضت تونس را بر عهده دارد، بر این باور است که در طول تاریخ هر گاه اسباب تحولات تاریخی مهمی برای ایجاد یک وضعیت جدید فراهم می‌شود، قضای الهی رهبری مناسب برای آن تحول انتخاب می‌کند. او که در حال حاضر در انگلستان و در تبعید به سر می‌برد معتقد است که شرایط فلسطین به گونه‌ای بود که تحول در رهبری آن، نشانه تحول در منطقه بود و از همین رو، کسانی که رهبری فلسطین را بر عهده گرفته بودند به دلیل ابتلاء به سستی و ناتوانی، اثر بخشی لازم در برابر دشمن صهیونیستی را نداشتند تا این که در پی رشد آگاهی‌های اسلامی در منطقه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زمینه برای ظهور یک رهبری اسلامی فراهم شد که پرچم آن را دکتر شقافی به دست گرفت. او در این باره می‌نویسد:

■ شیخ راشد الغنوشی، رهبر جنبش نهضت تونس

او شکل و محتوای جهاد را صحیح و زیبا عرضه کرد...



اسلامی است، البته نه فقط برای رهبری عملیات آزادی بخش، بلکه برای رهبری کل منطقه و این به حق از مهم‌ترین تحولات عصر ما بود.

پس از این تجزیه و تحلیل مختصر آنچه که می‌توانم اضافه کنم درباره شخص شقافی است که خداوند توفیق و افتخار اعلام این تحول بزرگ را به او داد و او با قوی‌ترین صحیح‌ترین سخنان به سوی این تحول رهنمون شد و توفیق تقدیم چنان نمونه‌های بزرگی در عملیات جهادی را یافت که زنگارهای ارتش به اصطلاح شکست‌ناپذیر اسرائیل را گنج و سرگردان نمود، شاید امروز مردم فراموش کرده‌اند که زمانی ارتش اسرائیل با عنوان شکست‌ناپذیر معرفی شده بود ولی اکنون دیگر حتی در اسرائیل کسی نمی‌تواند بگوید که ارتش اسرائیل تاب مقاومت در برابر کودکان سنگ به دست فلسطینی را دارد، چون همه دیدند که سربازان اسرائیل از برابر سنگ‌های کودکان فلسطینی می‌گریزند، بگذریم از وحشت و هراس اسرائیلی‌ها و ارتش شکست‌ناپذیرشان از عملیات جوانانی که به دست دکتر فتحی شقافی و مهندس یحیی عیاش آموزش دیدند. من فتحی را در چند کنفرانس اسلامی که آخرین آنها کنفرانس قومی اسلامی در لبنان بود شناختم، او را مردی بسیار استوار، سرسخت، متواضع و عمیق در فلسفه و ادبیات دیدم، آنچه بیشتر مایهٔ اعجاب من بود، نوع آمیختگی این ویژگی‌ها در شخصیت جهادی او بود که همان موضوع باعث رویدن خواب از چشمان زنگارهای ارتش شکست‌ناپذیر شد بود. او شخصیتی بود که در برنامه‌ریزی، متین و استوار عمل می‌کرد، به گفتهٔ آشنایان او در تمام زوایای طرح و برنامه تحقیق می‌کرد و مسئولیت آنها را به عهده می‌گرفت و در کنار این ویژگی‌ها، او یک تحصیل کرده روشنفکر مسلمان معاصر واقع‌گرا و معتدل بود. به حق شقافی نمونه نادری از شخصیت‌های جهادی بود که در عصر ما پرچم مبارزه برداشتند، زیرا به همان اندازه که برخی از خوارج زمان ما چهره جهاد را خراب کردند و شمشیر جهالت را به نام اسلام بر فرق آشنا و بیگانه کوبیدند و در افغانستان و الجزایر کشتار و خون‌ریزی و تکفیر کردند، شقافی به همان مقدار شکل و محتوای جهاد را صحیح و زیبا عرضه کرد و مردم را با عظمت محتوای جهاد آشنا نمود و جهاد را به عنوان راهی استوار برای دعوت به سوی اسلام معرفی نمود و این بر اساس زمینه اسلامی و فرهنگی معتدل معاصر است که شقافی نیز بر این اساس مفهوم جهاد را در جای خود قرارداد و ضوابط آن را بسیار دقیق توضیح داد تا مبادا از جایگاه خود منحرف شود مانند این که او جهاد را فقط در برابر سربازان اشغالگر رژیم صهیونیستی جایز می‌دانست.

فتحی شقافی یک شخصیت بزرگ و سمبل اسلام و مبارزه و آغازگر یک دوران تاریخی مهم بود. خدای رحمت کند، دورانی که او آغاز کرد، دوران شکوفایی رهبری اسلامی برای جهاد فلسطین در اعتدال و افق گسترده‌ای است که همه مردان آزادهٔ مبارزان را در پی می‌گیرد تا حق غصب شدهٔ مظلومان را در فلسطین و هر جای دیگر دنیا به آنان بازگرداند. ■

سازمان آزادی بخش فلسطین به مصر پیوستند و در اینجا بود که اسرار از پرده بیرون افتاد و زمینه برای ظهور یک رهبری جدید با طرح‌های جدید فراهم شد.

طبق معمول تحول در رهبری فلسطین، نشانه تحول در منطقه بود. زیرا فلسطین منشأ اختلاف و درگیری با رژیم صهیونیستی بود و هر که پرچم آزادی فلسطین را بر می‌داشت و تمام یا مقداری از حق آن را ادا می‌کرد، مشروعیت رهبری را صرف نظر از عقیده‌اش از آن خود کرده بود، در اینجا سستی و ناتوانی رژیم‌های عربی آشکار و معلوم بود، ساف نیز نمی‌توانست جایگزین آن باشد، زیرا خود جزئی از آن بود، لذا رشد و آگاهی اسلامی برآمده از نتایج شکست ۱۹۴۷ که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تقویت شده و مشروعیتش نیز با تسلیم ساف همراه با دیگر کشورهای عربی، تثبیت شده بود، زمینه را برای ظهور یک تحول تاریخی دیگر و انتقال رهبری مقاومت و نهضت آزادی فلسطین فراهم نمود و رهبری مقاومت فلسطین از جریانی لایبک که رسماً در برابر دشمن تسلیم شده و نخبگان خبر آن را اعلام کردند، خارج شد و به اسلام‌گرایانی رسید که اخوان المسلمین ستون فقرات آن بودند. علاوه بر این اخوان المسلمین مشروعیت تاریخی داشت زیرا تنها سازمان عربی بود که در فلسطین (۴۸-۱۹۴۷) مبارزه کرد و تا نزدیکی پیروزی و از میان برداشتن اسرائیل رفته بود، اما افسوس که خیانت دولت‌های عربی از تحقق این پیروزی جلوگیری نمود. همچنین اخوان المسلمین در سطح مردم محبوبیت فزاینده‌ای طی پانزده سال که تحت فشار بود کسب کرده بود، اما به هنگام این تحول و انتقال رهبری کادر رهبری رسمی اخوان در صحنه حاضر نبود بلکه شاخه کوچکی که از آن منشعب شده بود در صحنه حاضر بود و این شاخه کوچک مردم فلسطین را تحویل گرفت و چاشنی جهاد و انتفاضه را منجر کرد، اینان گروهی از دانشجویان هوشیار و دارای رتبه‌های علمی ممتاز در پزشکی، مهندسی، اقتصاد و علوم تجربی بودند که در پیشاپیش آنان دکتر فتحی شقافی و دکتر رمضان عبدالله قرار داشتند.

هنوز بیکره اخوان بر سر پا بود و چیزی نگذشت که این کار کوچک راه صحیح تاریخ آینده را شناخت و با گردش همراه جریان جدید، دیگر وقوع تحول برای همه آشکار بود، خداوند چنین مقدر فرمود که فتحی و همفکران راه جدید تاریخ را بگیرند و آن آغاز دوران

سیر سینه‌های شقافی



اینان گروهی از دانشجویان هوشیار و دارای رتبه‌های علمی ممتاز در پزشکی، مهندسی، اقتصاد و علوم تجربی بودند که در پیشاپیش آنان دکتر فتحی شقافی و دکتر رمضان عبدالله قرار داشتند.

چه بسا این شخص و افراد پیرامون او برای نقشی که به عهده آنهاست آموزش ندیده‌اند، لیکن حقیقت معمولاً صبر نمی‌کند تا اعلامش کاملاً آشکار گردد و هنگامی که تحول بخش مهمی از راه را پیچود و دوران جدید نقاب از چهره برگرفت، آنگاه همه آن را به روشنی مشاهده می‌کنند و علائم دوران جدید آرام آرام دوران قبلی را از مآدور می‌کند. اگر چه انسان منشأ تحول است، لیکن تحول کار یک نفر نیست، هر چند که برای فعال نمودن عوامل تحول بکوشد؛ تحول فعالیت یک جریان است که در برهه‌ای از زمان در صحنه ظاهر می‌شود. جریان تحول هنگامی که در یک سازمان دارای مبانی ثابته شکل می‌گیرد، چه بسا آن تشکیلات سازمانی با اصول و مبانی خشک و متحجر خود در راه تحول مشکلاتی ایجاد نماید و چه بسا برخی از فرصت‌های تحول را به علت فقدان روح اقدام با اعمال مخاطره‌آمیز از میان ببرد. مانند برخی از مؤسسات اقتصادی بزرگ که گاهی به علت ترس از خطر کردن یا ورشکستگی مواجه می‌شوند و این حالت باعث کشودن راه در برابر شرکت‌های کوچکی می‌شود که چون منافع شرکت‌های بزرگ را ندارند بنابراین ترسی هم ندارند و خطر می‌کنند، منافع را کسب می‌کنند و پس از مدت کوتاهی به قدرت اصلی صحنه تبدیل می‌شوند و در این هنگام آن شرکت‌های بزرگ راهی ندارند جز این که شرایط جدید را قبول کنند و به قافله ملحق شوند. یعنی پس از شناخت شرایط جدید حاکم و با ایجاد تغییرات لازم خود را با آن وفق بدهند گاهی هم برخی از بخش‌های زنده‌تر در داخل شرکت سر به شورش برداشته و مرکزیت را مجبور می‌کنند که با شرایط جدید همگام شود در غیر این صورت آن شرکت از صحنه حذف و نابود خواهد شد.

به نظر من شایسته است آنچه که جنبش جهاد اسلامی فلسطین به رهبری دکتر فتحی شقافی و همفکرانش در زمینهٔ مسأله فلسطین و روند روابط کشورهای عربی با اسرائیل و به طریق اولی در زمینه تحول موازنه قدرت و نفوذ میان دو جریان اسلامی و لایبک در فلسطین و منطقه عربی تحقق بخشیدند و آنچه که آنان در جنبش اخوان المسلمین - که شقافی و برادرانش در سایه آن رشد کردند - پیش از اینکه از آن جدا شوند و راه را به سوی دوران جدید بکشایند، انجام دادند، به عنوان بزرگ‌ترین تحولات تاریخی منطقه پس از کنفرانس فاس ۱۹۸۲ به عنوان یک کنفرانس عربی با مشارکت «ساف» برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی تلقی شود. این کنفرانس نقطه مهم دیگری در جهت فروریزختن طرح آزادی بخش «عربی - لایبک» پس از شرکت ۱۹۶۷ بود.

بر خلاف آنچه که «کمپ دیوید» در مهار پیروزی جزئی در جنگ ۱۹۷۳ و ادامه روند شکست نشان داد، مقاومت دوباره توانست رهبری توده‌های مردم عرب را با پشتیبانی اردوگاه سوسیالیسم و کشورهای عربی که مصر را تا مدتی منزوی کرده بودند، به دست بگردد. اگر چه کنفرانس سران عرب در فاس فلج بودن کشورهای عربی و عدم امکان هرگونه اقدام آزادیبخش در سطح رسمی به دور از مصر را ثابت نمود اما به جای این که فشار بر دولت مصر این کشور را به پیوستن به کشورهای عربی وادارد، کشورهای عربی و از جمله